

شبیه‌سازی از منظر آیین‌های ارتدوکس و پروتستان

محدثه معینی فر^{۱*}

مقاله‌ی مروری

چکیده

مقاله‌ی حاضر، به‌طور موردی، به‌دنبال بررسی دیدگاه‌های دو آیین دین مسیحیت یعنی ارتدوکس و پروتستان درباره‌ی موضوع شبیه‌سازی و بررسی دلایل هر یک از این گروه‌ها در ممنوعیت یا عدم ممنوعیت آن است. هر دو آیین، شبیه‌سازی اعم از مولد و درمانی، را ممنوع اعلام کرده و دلایلی نیز برای نظر خویش اقامه نموده‌اند. تنها فرقه‌ی لیبرال از آیین پروتستان است که شبیه‌سازی درمانی را جایز دانسته و در مورد شبیه‌سازی مولد هم نظر صریح و بی‌پرده‌ای را اعلام نکرده است. در یک جمع‌بندی کلی، باید اذعان نمود که هرچند نمی‌توان با استناد به تمامی این دلایل شبیه‌سازی مولد را ممنوع دانست، اما شبیه‌سازی درمانی با استناد به همان دلیل حفاظت از حق حیات ممنوع است و اتخاذ چنین استراتژی‌ای از دیدگاه این دو آیین، نشان‌دهنده‌ی انسجام درونی در آموزه‌های دین مسیحیت نسبت به هر دو نوع شبیه‌سازی است، زیرا هر دو گونه را ممنوع شمرده است.

واژگان کلیدی: شبیه‌سازی درمانی، شبیه‌سازی مولد، ارتدوکس، پروتستان

^۱ کارشناس ارشد، دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی

* نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فلسطین، خیابان شهید روانمهر، دانشگاه مذاهب اسلامی، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۶۵۲۵۲

Email: Moeinifar@isuw.ac.ir

مقدمه

شبیه‌سازی^۱ یا تولیدمثل غیر جنسی با ظهور و ورود خود به عرصه‌ی علم و تکنولوژی، با حوزه‌های مختلفی از جمله ادیان ارتباط پیدا کرده و هر یک از ادیان به دنبال پاسخ‌گویی به شبهات پیرامون این مسأله هستند. دامنه‌ی نظرگاه‌ها در ادیان مختلف در این باره بسیار گسترده است و تعارض دیدگاه‌ها نیز به چشم می‌خورد. اما آنچه بر اهمیت طرح این دیدگاه‌ها صحنه می‌گذارد، موضوع تأثیر نگرش ادیان مختلف در بحث قانون‌گذاری درباره‌ی مسأله‌ی شبیه‌سازی است.

در جوامع مختلف هر چند یک دین به‌عنوان دین رسمی انتخاب شده است، سایر ادیان و مذاهب نیز از حقوق اقلیت‌ها برخوردار هستند. بنابراین، لحاظ دیدگاه‌های تمامی ادیان ضروری است و راه را برای ایجاد نگرش واحد و سپس قانون‌گذاری منسجم در عرصه‌ی بین‌المللی درباره‌ی شبیه‌سازی باز می‌کند. پس از دین مبین اسلام، دین مسیحیت و یهودیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. از سوی دیگر، دین مسیحیت نیز در حوزه‌ی این مسأله دارای ادبیات گسترده‌ای است. البته به دیدگاه کاتولیک‌ها^۲ بیش‌تر از سایر فرق این دین، یعنی ارتدوکس و پروتستان پرداخته شده است. در مقاله‌ی حاضر به دنبال ارائه‌ی دیدگاه‌های این دو فرقه و

بررسی دلایل آنان می‌باشیم. پیش از بررسی دیدگاه‌های آنان، لازم است مختصری درباره‌ی منابع قانونگذاری این دین که بین هر سه فرقه مشترک است، توضیحاتی ارائه شود. کلیسای مسیحیت مجموعه رسالات کتاب مقدس (میثاق قدیم و جدید) را Bible می‌نامد که از کلمه‌ی یونانی بیبلوس [Biblos(Biblia)] به معنی کتاب گرفته شده است (۳). مجموعه‌ی عهد جدید از رسالات اناجیل چهارگانه‌ی متی، مرقس، لوقا و یوحنا، اعمال رسولان و نامه‌های رسولان و مکاشفه‌ی یوحنا تشکیل شده است (۴، ۳). بنابراین، منابع قانون‌گذاری در این دین شامل عهدین قدیم و جدید است. روش جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای بوده است و اطلاعات لازم از مجلات معتبر اینترنتی و کتب به‌دست آمده است.

شبیه‌سازی در آیین ارتدوکس

الف- شبیه‌سازی درمانی

علمای مذهب ارتدوکس برای جنین انسان کرامت و ارزشی برابر با سایر انسان‌ها قائلند. این مسأله ارتباطی با روح‌دار شدن یا نشدن جنین ندارد، بلکه بیش‌تر مربوط به محدودیت و جایز الخطا بودن بشر است: «بنابراین، ما باید نسبت به جنین با احترام و کرامت برخورد نماییم؛ زیرا ما نمی‌دانیم که چه زمانی تبدیل به یک شخص حقیقی می‌شود» (۵). علاوه بر این، در اثر نارسایی‌های تکنولوژی شبیه‌سازی در عرصه‌ی ایجاد انسان، زندگی‌های بالقوه‌ای از بین خواهد رفت. بنابراین، بر اساس این دیدگاه، باید از شبیه‌سازی درمانی یا تحقیقات درباره‌ی آن جلوگیری کرد (۵).

ب- شبیه‌سازی مولد انسان

شبیه‌سازی انسان نیز هم‌چون شبیه‌سازی درمانی در این آیین ممنوع است. علمای ارتدوکس دلایل ذیل را برای این موضوع اقامه نموده‌اند:

۱- تعارض با تصویر خدایی انسان

^۱ شبیه‌سازی از کلمه یونانی Klon به معنای جوانه و ترک چوب گرفته شده است و کلونینگ، در لغت عبارت از بریدن، تکثیر کردن و قلمه زدن است (۱). اصطلاح شبیه‌سازی (cloning) عبارت است از کشت هسته سلول غیر جنسی انسان یا حیوان - که دارای کروموزوم کامل می‌باشد- در سلول تخمک‌عاری از هسته جنس ماده، و بارور کردن این تخمک به کمک روش‌های ویژه در رحم طبیعی یا مصنوعی، به منظور تشکیل موجود زنده‌ای که از لحاظ شکل ظاهری دقیقاً مانند صاحب هسته سلول اولیه باشد (۲).

^۲ برای مطالعه دیدگاه آیین کاتولیک درباره‌ی شبیه‌سازی درمانی و مولد، می‌توانید به مقاله «شبیه‌سازی در آیین کاتولیک» دکتر سید حسن اسلامی، مجله هفت آسمان، شماره هفتم مراجعه فرمایید.

در تعالیم آیین ارتدوکس، مفهوم انسان ریشه در تصویر خداوند دارد که با هدف نهایی درک خدایی بودن در اتحاد و همراهی با دیگران همراه است. تصویر خداوند، بر قضاوت و تصمیم‌گیری درباره‌ی تکنولوژی‌های کمکی تولیدمثل و شبیه‌سازی اثرگذار است. تکنولوژی‌های کمکی تولیدمثل که خارج از چارچوب خانواده صورت می‌گیرند، تلاشی برای ایجاد بشر با تصویر انسانی و ویژگی‌های مورد نظر (و نه با تصویر الهی) به‌شمار می‌روند.

بنابراین، نتیجه‌ی اعتقاد به موضوع «خلق انسان با تصویر خدا» این است که با انسان دارای این ویژگی، باید با کرامت و احترام رفتار شود. این اصول نه تنها در رفتار با انسان‌ها باید لحاظ شوند، بلکه روشی هستند که در پیدایش انسان‌ها نیز مورد توجه واقع می‌شوند. این در حالی است که شبیه‌سازی، انسان را برای انسان ایجاد می‌کند، نه اهداف الهی. بنابراین، انجام فرایند شبیه‌سازی نوعی بی‌احترامی به انسان مذکور به‌شمار می‌رود (۵).

۲- نقض روابط مقدس خانوادگی

یکی از مسائل محوری در تعالیم ارتدوکس، جنبه‌ی مذهبی و مقدس ازدواج، تولیدمثل و پرورش و بزرگ کردن فرزندان است. ازدواج و خانواده، چارچوب اصلی برای تولیدمثل و تربیت فرزندان محسوب می‌شود. در تعالیم ارتدوکس، استفاده از گامت و تخمک یا اسپرم بیگانه یا رحم جایگزین ممنوع است (۵).

فرایند شبیه‌سازی به‌ویژه، به‌دنبال شخصیت‌زدایی^۱ از انسان است. پی‌گیری تولید کودکان به این روش، راز مقدسی را که در تولد کودکان است، به تکنولوژی‌های درمان نازایی بدل کرده است (۶، ۵). این روش، خودکفایی در تولیدمثل را سبب می‌شود که خواست خداوند نیست؛ بنابراین، شبیه‌سازی یک درمان یا یک تولیدمثل حقیقی و مورد نظر خداوند نمی‌باشد (۷).

^۱ Depersonalize

۳- شیء شدن انسان

علمای آیین ارتدوکس معتقدند که انسان شبیه‌سازی شده تنها برای اهداف عارضی و خارجی با ارزش است و به‌عنوان شیء‌ای برای استفاده و انتفاع دیگران شناخته می‌شود (۶، ۵).

۴- سایر دلایل

از جمله این دلایل می‌توان به تولید انسان‌های شبیه‌سازی شده با هدف استفاده از اعضای بدن آنان برای دیگران (۵)، تجاری شدن (خرید و فروش) DNA انسان (۵) و تلاش برای ایجاد ابرانسان‌ها یا انسان‌هایی که دارای توانایی فوق‌العاده‌ای هستند (۵) اشاره نمود.

شبیه‌سازی در آیین پروتستان

پروتستان‌ها، بر خلاف آیین کاتولیک‌ها، از همان آغاز دچار انشعابات مختلفی شدند و آشکارترین ضعف آنان نیز همین بود. به‌طور کلی، پروتستان‌تسیم، دارای چهار شاخه‌ی اصلی و بزرگ به نام‌های کلیسای لوتری، کلیسای کالونی^۲، انگلیکن یا کلیسای انگلستان و پروتستان‌تسیم لیبرال است و سایر گروه‌ها و فرقه‌ها به نوعی به یکی از شاخه‌های اصلی باز می‌گردند.

از سایر فرق این مذهب می‌توان به تعمیدگرایان (Baptists) یا آناباپتیست‌ها (Anabaptists)^۳، منونایت‌ها

^۲ کالون، الهیدانی برجسته و مرد شماره دو در نهضت پروتستان بود که به رغم پاره‌ای از اشتراکات با لوتر، اختلافاتی جدی نیز با او داشت و تلاش می‌کرد تا کلیسا را از نفوذ و سیطره شاهزادگان و اصحاب قدرت برهاند. وی در زانو نظام خشک و سخت‌گیرانه خود را به گونه‌ای اعمال کرد که واکنش‌های منفی به‌دنبال داشت. امروزه حتی نام این کلیسا به «کلیسای اصلاح شده» تغییر یافته است. این گروه حضوری پررنگ در مناطقی مانند فرانسه، سوئیس، هلند و اسکاتلند دارد (۸).

^۳ «آناباپتیسم» به معنی «دوبار غسل تعمید شده» است؛ زیرا از نظر آناباپتیست‌ها، کلیسای واقعی مسیحی یک انجمن داوطلبی برای معتقدانی است که از نظر معنوی دوباره متولد شده و تعمید یافته‌اند. آنان به تعمید بزرگسالان اعتقاد داشتند و تأکید می‌کردند که هر فردی خود باید از روی آگاهی و بینش عیسی را به‌عنوان منجی بپذیرد. خاستگاه این گروه را به جان اسمیت می‌رسانند. آنان پیرو نوعی مردم‌سالاری شدید بودند که

church) و پنتیکاستالیسم (Pentecostalism)^۶ اشاره نمود (۸). اما در بحث شبیه‌سازی، از آن‌جا که این بحث بسیار پررنگ‌تر در میان پروتستان‌های آمریکا مطرح شده تا پروتستان‌های سایر نقاط دنیا، تقسیم‌بندی جدیدی ارائه می‌شود که دو فرقه ایوانجلیک‌های محافظه‌کار و شاخه اصلی پروتستان یا میانه‌رو از فرق مهم در آمریکا هستند و سایر فرق مطروحه نیز در سایر نقاط دنیا در این‌باره اظهار نظر کرده‌اند. بنابراین، در این مبحث، مسأله‌ی شبیه‌سازی را به ترتیب در فرقه‌های ایوانجلیک‌های محافظه‌کار (Conservative Evangelical)، شاخه اصلی پروتستان یا میانه‌روها (Mainline) (شامل تعمیدگرایان (American Baptist Churches)، کلیسای کالونی (Presbyterian Church)، کلیسای لوتری ایوانجلیک (Evangelical Lutheran Church)، کلیسای متحد (United Church of Christ)، کلیسای متحد متدیست‌ها (The United Methodist Church)، انگلیکن‌های آمریکا (The Episcopal Church) و حواریون مسیح (The Disciples of Christ) می‌باشد) (۵) بررسی نموده و سپس به بحث از شبیه‌سازی در سایر فرقه‌ها چون فرقه پروتستان‌های لیبرال (Liberal)، انگلیکن‌های استرالیا (Australian Anglicans) و کلیسای

^۶ کلیسای متحد یا مونیسم بدعتی شرقی است که توسط «سان میونگ مون» اهل کره برای اتحاد مسیحیت جهانی در ۱۹۴۵م در کره پایه‌گذاری شد. او در اوایل دهه ۱۹۷۰م به آمریکا نقل مکان کرد، ولی موفقیت چندانی در غرب نداشت. مون ادعا می‌کند که حامل حقیقت کاملی از خداست که به تازگی توسط او بر عصر حاضر مکشوف گشته است. کشیش مون هم‌چنین ادعا می‌کند همان ماشیح یا مسیح موعود است و برای تکمیل کار ناتمام عیسی مسیح آمده است (۸).

^۷ پنتیکاستالیسم اشاره به فرقه‌ای دارد که به هبوط روح القدس بر رسولان در پنطیکاست یا عید پنجاهه معتقدند؛ این اصطلاح به جنبشی اطلاق می‌شود که در ۱۹۰۶م در آمریکا آغاز شد و تا آفریقا و اروپا و آمریکای لاتین گسترش یافت. مشخصه‌های این جنبش عبارت بودند از شفای معنوی و شطح‌گویی به زبان‌هایی که یا قابل فهم نیستند یا ظاهراً انعکاس زبان‌های موجودند که گوینده چیزی از آن‌ها نمی‌دانسته است (۸).

(Mennonites)^۱، آمیش‌ها (Amish)^۲، مورمون‌ها (Mormons)^۳، کوایرها (Quakers)^۴، شاهدان یهوه (Jehovah's witnesses)^۵، کلیسای متحده (States of the

مطابق آن، تمام مؤمنان مساوی بودند. این گروه، برخلاف کاتولیک‌ها و سایر پروتستان‌ها، اعتقاد به جدایی کامل دین و دولت داشتند (۹).

^۱ منونایت‌ها، پیروان آموزه‌های کشیشی به نام «منو سیمونز» هستند که یک کشیش مصلح هلندی بود و در سال ۱۵۳۶م به آناباپتیسم روی آورد. او پس از دست کشیدن از ایمان کاتولیک، دوباره غسل تعمید داده شد. او رهبر آناباپتیست‌های سرزمین‌های پست (هلند کنونی) بود، اما نفوذ و تأثیر او به سوئیس هم رسید. اصول اساسی تفکر منونایت‌ها عبارت است از: ساده زندگی کردن، اسلحه حمل نکردن، وارد ارتش و کارهای نظامی نشدن، از کسی شکایت حقوقی نکردن و غرامت نخواستن، کارمند دولت نشدن، نپذیرفتن نوجوانان زیر سن بلوغ به عضویت کلیسا، تلاش برای صلح جهانی، سوگند یاد کردن، اجتناب از استفاده از تکنولوژی جدید مانند برق و تلفن و کامپیوتر و ... آنان حتی از پرداختن مالیاتی که مستقیماً صرف بودجه‌های نظامی شود، سر باز می‌زنند (۸).

^۲ آمیش، یک فرقه مسیحی آناباپتیست است که در ۱۹۶۳م به وسیله رهبر منونایت‌های سوئیس، یاکوب آمان بنیان نهاده شد. او باور داشت که منونایت‌ها از تعلیمات سیمونز، مؤسس فرقه خود، فاصله گرفته‌اند. به تدریج گروهی از منونایت‌ها به آمان گرویدند و این امر منجر به ایجاد یک تقسیم در منونایت‌های سوئیس و پیدایش فرقه آمیش شد (۸).

^۳ کلیسای مورمون در ششم آوریل ۱۸۳۰م در ایالات متحده آمریکا به‌دست جوزف اسمیت تأسیس شد. مورمون‌ها اقلیتی مذهبی از مسیحیان هستند که خود را پیروان راستین عیسی مسیح می‌دانند. این فرقه با داشتن مکاشفات جدید و اعتقاد به کتاب‌های دیگر در کنار کتاب مقدس، خود را از بدنه مسیحیت راست کیش جدا کردند (۸).

^۴ کوایرها یا کوئیکرها یکی از فرقه‌های مذهبی آیین پروتستان هستند که در ۱۷۹۷م در انگلستان توسط جورج فاکس پایه‌گذاری شد. کوایکر، نامی است که به دلیل نوع مراسم عبادت کوئیکری یا هیئت عبادت‌کنندگان و یا واحدهای سازمان کوئیکری به کوایکرها داده شده است. اعضای این فرقه با اعتقاد به فردگرایی محض معتقدند این عیسی مسیح است که به نزد مردم می‌آید تا فرزندان خود را هدایت کند (۸).

^۵ شاهدان یهوه در قرن هیجدهم توسط «چارلز تیز راسل» در پنسیلوانیای آمریکا تأسیس شد. پیروان این فرقه هر چند خود را مسیحی می‌دانند، اما به یک خدای واحد اعتقاد دارند که او را یهوه می‌نامند و منکر تثلیث‌اند. آنان به معاد نیز معتقدند (۸).

لوتری- شورای کلیسای میسوری (Lutheran Church- Missouri Synod) پرداخته می‌شود.

• فرقه‌ی ایوانجلیک^۱ یا انجیلی‌های محافظه‌کار

در دایره‌المعارف یهود، پیوریتانیزم چنین معرفی شده است: «پیوریتانیزم که ساختار هنجارهای اخلاقی آن تماماً منطبق با تورات است، به‌عنوان یهودی‌گری انگلیسی نامیده می‌شود». پیوریتانیزم که توسط فردی کالوینیست و پروتستان به نام William Tyndale پایه‌گذاری شده و در انگلستان گسترش یافته بود، شاخه‌ای از کالوینیسم به حساب می‌آمد. پیوریتان‌ها در آمریکا نیز نقش مهمی را بر عهده داشتند. آن‌ها در مستعمره‌سازی دنیای جدید نقش پیش‌تاز را داشتند. فرهنگ آمریکا نیز از پیوریتان‌ها تأثیر پذیرفته بود. امروز بنیادگراها و پروتستان‌های ایوانجلیک در آمریکا را می‌توان ادامه‌ی پیوریتانیزم قلمداد کرد (۱۰).

الف- شبیه‌سازی درمانی

این فرقه، شبیه‌سازی درمانی را محکوم کرده (۱۱، ۵) و هم‌چنین تحقیقات در این زمینه را غیراخلاقی و ممنوع دانسته است، زیرا هم‌چون کاتولیک‌ها معتقدند که انسانیت با تمام ویژگی‌های اخلاقی‌اش با انقراض نطفه آغاز می‌گردد (۵).

Ramsey یکی از علمای این مذهب، شبیه‌سازی را با عنوان آزمایش غیراخلاقی شخص بدون رضایت وی توصیف می‌کند. علاوه بر این، فرایند شبیه‌سازی احتمال مرگ جنین را بالا می‌برد و این به‌خاطر نواقصی است که در جنین به‌وجود می‌آید. هم‌چنین، مشکلاتی نیز در ضمن انتقال جنین به رحم اتفاق می‌افتد (۵). «کربی اندرسون»- شاید اولین مؤلف پروتستان درباره‌ی همانندسازی- این امر را ناقص و نابودکننده‌ی حیات انسان می‌داند. «اندرسون» دو دلیل را ذکر می‌کند: اول، تحقیقات همانندسازی به‌طور غیرقابل اجتنابی باعث از بین رفتن زندگی جنین خواهد شد. دوم، با این‌که اندرسون باور دارد که فرد شبیه‌سازی شده روح دارد، ولی می‌گوید که عدم احترامی (تقدسی) که برای زندگی انسان به وجود می‌آید، باعث می‌شود که با فرد شبیه‌سازی شده به‌عنوان مخزنی برای اعضا و بافت‌های ذخیره‌ی (یدکی) رفتار شود (۱۲).

البته ذکر این نکته خالی از لطف نیست که مبنای مباحث این گروه در مخالفت با شبیه‌سازی درمانی، همان مبنای بحث در مسائل مربوط به سقط جنین است (۱۴، ۱۳)، زیرا شبیه‌سازی نیز موجب نقض حرمت جنین می‌شود (۱۵).

ب- شبیه‌سازی مولد انسان

شبیه‌سازی مولد انسان نیز هم‌چون شبیه‌سازی درمانی از دیدگاه این گروه ممنوع و غیراخلاقی است (۱۳). البته این گروه برای این نظر، دلایلی را نیز اقامه می‌کنند:

۱- حذف جنبه‌ی مقدس زندگی و حیات انسان (۵):

تقدس حیات از دو اصل اساسی نشأت می‌گیرد که در

ذیل به توضیح آن می‌پردازیم:

اول: خداوند انسان را با تصویر خود آفریده است. این نظر

ملهم از سفر آفرینش کتاب تورات است.

دوم: جنبه‌ی دوم که توسط پاپ ژان پل دوم بیان شده،

این است که خداوند عطاکننده‌ی زندگی است. به این موضوع

نیز در سفر آفرینش اشاره شده است. دستور به حفظ حیات

انسان‌ها از این دو جنبه ناشی می‌شود.

^۱ اصطلاح «انجیلی» مربوط به قرن شانزدهم است و در آن زمان برای اشاره به نویسندگان کاتولیکی به کار می‌رفت که در صدد بازگشت به عقاید و اعمال بودند که بیش‌تر بر کتاب مقدس مبتنی بود تا اعتقادات و اعمال منسوب به کلیسای قرون وسطی در اواخر آن. این اصطلاح به شکل گسترده‌ای برای اشاره به روند فراقه‌ای در الهیات و معنویات به کار می‌رود که تأکید خاصی بر جایگاه کتاب مقدس در زندگی مسیحی دارد. امروزه آیین انجیلی، بر مجموعه‌ای از چهار پیش‌فرض زیر استوار است: مرجعیت کتاب مقدس و حجیت آن، انحصار رهایی در مرگ مسیح بر صلیب، نیاز به نوگرایی شخصی، ضرورت درستی و فوریت تبلیغ مسیحیت.

بنابراین، انجیل‌گرایی آیینی فوق فرقه‌گرایی است و محدود به هیچ فرقه خاصی نیست، حتی خودش یک فرقه نیست. سخن گفتن از «انجیلی‌های انگلیکان»، «انجیلی‌های پرسبیتی»، «انجیلی‌های متدیست» و حتی از نظر برخی از گرایش‌های بسیار متأخر «انجیلی‌های کلیسای کاتولیک روم» به هیچ وجه متناقض نیست (۹).

۵- تعارض با تصویر خدایی انسان: این گروه از بین رفتن انسانیت و روابط خانوادگی را که نتیجه‌ی شبیه‌سازی است، با تهاجم به تصویر الهی از انسان مرتبط می‌دانند، زیرا دگرگونی ساختار انسان که به گفته‌ی تورات همانند چهره‌ی خداست، حمله به تصویر خداست. یکی از علمای این فرقه، تصویر الهی انسان را در ارتباط با آزادی، خودمختاری، برابری، احترام متقابل و هم‌بستگی و اتفاق نظر طرح می‌کند. ادامه‌ی پروژه‌ی شبیه‌سازی انسان، آزادی فردی را مورد تهاجم قرار داده و تقدیرگرایی علمی را جایگزین استقلال انسان می‌نماید. تصویر الهی انسان در خلال فرایند شبیه‌سازی به مخاطره می‌افتد؛ زیرا شبیه‌سازی هم‌بستگی، برابری و روابط را از بین می‌برد. شبیه‌سازی ارزش انسان را کاهش می‌دهد؛ زیرا ژنتیک را منشأ شکل‌گیری شخصیت معرفی می‌کند و یا برای انسان شبیه‌سازی شده، از آن جهت ارزش قائل است که او در واقع نسخه‌ی دوم از یک فرد ارزشمند است.

این فرقه به تصویر خداوند به‌عنوان مانعی برای شبیه‌سازی انسان استناد می‌کنند. حاملان این تصویر یعنی انسان‌ها از خودآگاهی و یگانگی انسان و روابط متفاوت با موجودات دیگر درک جدیدی پیدا می‌کنند. پس یگانگی مقدس انسان با تلاش برای شبیه‌سازی انسان به مخاطره می‌افتد. هم‌چنین، آنان شبیه‌سازی را معارض با خلاقیت و ابداعات انسانی به‌شمار می‌آورند که ریشه در تصویر خداوند دارند. شبیه‌سازی نه تنها یک دریچه به سوی آینده نیست، بلکه تکرار گذشته است. بنابراین، آن را نباید به‌عنوان خلاقیت تعبیر کرد. شبیه‌سازی گذشته را همیشگی می‌کند و عدم تمایل انسان را در پذیرش احتمالات و نادانسته‌ها (حق به جهل به آینده) منحرف می‌نماید (۵).

• شاخه‌ی اصلی پروتستان یا میان‌رو

الف- شبیه‌سازی درمانی

این فرقه نیز شبیه‌سازی درمانی را ممنوع دانسته (۱۱)، زیرا این جنین‌ها قابلیت تبدیل به یک انسان را دارند، ولی با انجام تکنیک فوق از بین می‌روند. از سوی دیگر، این فرایند

شاید منبع اصلی‌تر برای این موضوع فرمان ششم (نکشید بزرگ و کوچک را: Thou shall not kill) از فرمان‌های ده‌گانه‌ی موسی (ع) باشد. این فرمان مورد اختلاف میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌هاست، زیرا نسخه‌ی کنونی متون پروتستان به‌جای واژه‌ی «kill» از واژه‌ی «murder» استفاده کرده است که به گونه‌ای واضح از تفاسیر کلیسای کاتولیک در این مورد محدودتر است و اما در نسخه‌های قدیمی‌تر متون پروتستان همان واژه‌ی «kill» استفاده شده است. به هر صورت، این فرمان به‌عنوان اولین منبع برای حمایت از تقدس زندگی انسان معرفی می‌شود (۱۶).

۲- وجود خطر در فرایند شبیه‌سازی از جمله بحث سلامت فرد شبیه‌سازی شده (۱۳)

۳- تبدیل شدن فرایند تولیدمثل به صنعت (۱۷ ، ۱۳): منظور از این دلیل، تولید انسان‌ها به تعداد زیاد در آزمایشگاه‌ها و بدون وجود پدر و مادر است.

۴- فروپاشی بنیان خانواده و از بین رفتن روابط پدر و مادری و فرزندی: علمای این فرقه، رابطه‌ی ذاتی میان ازدواج و رابطه‌ی والدینی را که در داستان آفرینش و خلق انسان در سفر آفرینش به آن اشاره شده، مورد تأکید قرار می‌دهند. از نظر این عده، شبیه‌سازی نوعی انحراف از مسیر الهی است؛ زیرا باعث اضمحلال کامل این روابط می‌شود. علمای این فرقه معتقدند که چارچوب ازدواج که در آن مبادلات عاطفی میان زوجین صورت می‌گیرد، ایده‌آل‌ترین چارچوب برای تولیدمثل و تربیت کودکان است. درحالی که این چارچوب در شبیه‌سازی مضمحل می‌شود، زیرا شبیه‌سازی دقیقاً راز تولیدمثل و ایجاد کودک را هدف گرفته است. پس این نظریه که کودک هدیه‌ی خداوند است، تحت تأثیر این فرایند قرار گرفته و تولد کودک تبدیل به یک پروژه برای خودنمایی انسان شده است.

این گروه شبیه‌سازی را از روش پیشین تولیدمثل (تولیدمثل جنسی) جدا دانسته و آن را مخرب گذشته انسان و نقش‌های موثر در زندگی فعلی انسان می‌دانند (۱۷ ، ۵).

به سقط جنین شباهت دارد، زیرا ایجاد سلول‌های بنیادی از جنین هفت روزه موجب از بین رفتن و مرگ او می‌شود.

ب- شبیه‌سازی مولد انسان

این گروه شبیه‌سازی انسانی را هم‌چون شبیه‌سازی درمانی ممنوع دانسته و دلایلی از جمله فروپاشی بنیان خانواده (۱۳)، استفاده‌ی زنان از این فرایند و در نتیجه بی‌نیازی آنان از مردان در فرایند تولیدمثل (۱۳)، به مخاطره افتادن تنوع زیستی انسان‌ها (۱۳)، تهاجم به حریم خصوصی افراد (۱۳)، اهداف انسانی و غیرالهی مورد نظر این فرایند (۱۳) برای ممنوعیت آن بیان می‌کنند.

• فرقه‌ی پروتستان لیبرال

پروتستان‌تیسیم لیبرال شاخه‌ی دیگری در پروتستان‌تیسیم است که در سده‌ی هیجده میلادی و هم‌زمان با عصر روشنگری پدید آمد. پیروان این جریان در مورد پاره‌ای از آموزه‌هایی که در اعتقادنامه‌ها ذکر شده بود، تردید روا داشتند و بر «عقل»، «تجربه دینی» و اصل «داوری شخصی» به گونه‌ای تأکید کردند که حتی مورد تأیید اصلاح‌گران پیشین و پروتستان‌های اولیه نیز نبود. متفکران پروتستان لیبرال، اهمیت وحی و مکاشفه کتاب مقدس را می‌پذیرفتند، اما «خطاناپذیری لفظی» آن را مورد تردید قرار می‌دادند (۸).

الف- شبیه‌سازی درمانی

این فرقه شبیه‌سازی درمانی را با لحاظ تمام منابع و منشأهای آن مجاز شمرده‌اند. این گروه فرایند استخراج سلول‌های بنیادی از بزرگسالان، جنین سقط شده و رویان‌های باقی‌مانده از فرایند IVF را مجاز می‌دانند. در حالی‌که سایر فرق پروتستان و آیین‌های دیگر مسیحیت، تنها استخراج سلول‌های بنیادی از بزرگسالان را جایز می‌دانند (۱۵، ۱۲). دلایل این گروه به قرار زیر است:

۱- منافع بسیار استفاده از سلول‌های بنیادی برای جامعه و مردم (۱۱)

۲- از نظر آنان جنین در مراحل اولیه‌ی شکل‌گیری‌اش، تنها مجموعه‌ای از بافت به حساب می‌آید (۱۱) و شخصیت

و شرایط انسانی ندارد (۱۳).

۳- از سوی دیگر، در صورت عدم استفاده از رویان‌های باقی‌مانده از IVF، آن‌ها دفن خواهند شد یا از بین خواهند رفت (۱۱). هم‌چنین، بیرون ریختن رویان‌ها نوعی اسراف است که به هیچ وجه پذیرفتنی نیست، زیرا مرگ حقیقت زندگی در این دنیای پرگناه است. پس برای معنادار شدن مرگ، تخریب رویان‌ها برای به‌دست آوردن سلول‌های بنیادی، درمان به‌شمار می‌رود و قابل پذیرش است (۱۱).

ب- شبیه‌سازی مولد انسان

دیدگاه این گروه درباره‌ی شبیه‌سازی انسان چندان روشن به نظر نمی‌رسد، هر چند که ممنوعیت آن پررنگ‌تر به نظر می‌آید، زیرا این گروه ضمن همدردی با زوجین ناباروری که به دنبال داشتن فرزندان از خود هستند، شبیه‌سازی انسان را وسیله‌ای برای تمتع و سود بردن افراد مرفه و خاص می‌دانند که در دنیای غرب زندگی می‌کنند و این در حالی است که بسیاری از مردمان دنیا، از بیماری‌های ساده، گرسنگی و فقر می‌میرند (۱۳).

• انگلیکن‌های استرالیا:

انگلیکن‌ها^۱ در ابتدا انشعابی در کلیسای کاتولیک بودند و به همان آداب و شعایر کلیسای کاتولیک پای‌بند بودند؛ اما بعدها، گرایش‌های فکری موجود در نهضت اصلاح دینی در آنان تأثیر گذاشت. نهضت اصلاح در انگلستان، با جدایی این کلیسا از کلیسای رم در روزگار «هنری هشتم» آغاز گردید. این پادشاه هر چند اعتقادات کاتولیک‌ها را قبول داشت، اقتدار پاپ را نمی‌پذیرفت. این ویژگی، یعنی انکار اقتدار پاپ، تا به امروز به‌عنوان ویژگی کلیسای انگلستان شناخته می‌شود. کلیسای انگلستان به همراه چند کلیسای دیگر در کشورهای مختلف از جمله استرالیا، «کلیساهای شرکت انگلیکن» را

^۱ کلیسای انگلیکن با خوی مردم انگلستان که محافظه کار و محتاط هستند کاملاً سازگار است و به همین دلیل است که این کلیسا را هم می‌توان کاتولیک نامید و هم پروتستان (۱۸).

تشکیل می‌دهند (۸).

مولد انسان را ممنوع اعلام کرده است (۲۱).

الف - شبیه‌سازی درمانی

این کلیسا درباره‌ی شبیه‌سازی درمانی بر این اعتقاد است که چون این طریق از درمان، آخرین راه در حفظ جان فرد نیست، بنابراین، هیچ توجیه منطقی برای از بین بردن جنین‌ها برای به‌دست آوردن سلول‌های بنیادی وجود ندارد (۲۳). هم‌چنین این ممنوعیت، ناشی از تعارض این عمل با اوامر الهی است (۲۴).

ب - شبیه‌سازی مولد انسان

این فرقه با استناد به دلایلی چون حق منحصر به فرد بودن هویت ژنتیکی افراد و هم‌چنین حمایت از حقوق فرد شبیه‌سازی شده، شبیه‌سازی مولد انسان را ممنوع شمرده‌اند (۲۵).

بررسی دلایل دو آیین ارتدوکس و پروتستان درباره‌ی شبیه‌سازی:

الف - شبیه‌سازی درمانی

همان‌طور که می‌دانید تمامی آیین‌های مسیحیت با شبیه‌سازی درمانی مخالف هستند و تنها فرقه‌ی پروتستان‌تیسیم لیبرال آن را جایز شمرده است. البته این موضع، دین مسیحیت را در مقابل موضع سکولار، یهودیان و هم‌چنین مسلمانان اعم از شیعه و سنی قرار می‌دهد. البته این تفاوت در موضع‌گیری این نظام‌ها، نشان می‌دهد که دین مسیحیت دیدگاه منسجمی را درباره‌ی شبیه‌سازی مولد انسان و شبیه‌سازی درمانی اتخاذ کرده و هر دو نوع آن را ممنوع اعلام نموده است. هر چند این نگرش، کار این دین را دشوار می‌کند و مواجهه‌ی بسیاری را می‌طلبد، اما این خود نوعی انسجام در نگرش مسیحیت را نشان می‌دهد، زیرا کسانی که به دلایلی چون هدیه بودن

این فرقه نیز هر دو نوع شبیه‌سازی را ممنوع اعلام کرده (۱۹)، اما به گونه‌ای واضح از دلایل خود سخنی به میان نیاورده است.

الف - شبیه‌سازی درمانی

پس از مطالعه‌ی بیانیه‌های آنان، باید اذعان نمود که در مسأله‌ی شبیه‌سازی درمانی، با استناد به دلایلی چون ارزش مطلق زندگی و هدیه بودن آن از سوی خداوند که شامل حال جنین‌های متولد نشده نیز می‌شود، شبیه‌سازی درمانی را ممنوع اعلام کرده‌اند (۲۰).

ب - شبیه‌سازی مولد انسان

آنان نیز با استناد به دلایلی چون فردیت، حذف جنبه‌های مقدس زندگی انسان (خلقت در شکل و صورت خداوند و لقاح طبیعی جنین و شروع رشد آن)، شبیه‌سازی مولد را ممنوع اعلام نموده‌اند (۲۰).

• کلیسای لوتری - شورای کلیسای میسوری:

آموزه‌های اساسی آیین لوتری عبارت است از این‌که آمرزش گناهان فقط از طریق ایمان و فیض الهی صورت می‌پذیرد، نه اعمال انسان و دیگر این‌که مرجعیت کتاب مقدس بر سنت کلیسایی برتری دارد. کلیسای لوتری، کلیسای انجیلی نیز خوانده می‌شود (۸). این فرقه در آمریکا به دو شاخه تقسیم می‌شود. شاخه‌ی کلیسای لوتری ایوانجلیک که در بخش پیشین توضیح آن آورده شد و کلیسای لوتری - شورای کلیسای میسوری^۱. این شاخه نیز شبیه‌سازی درمانی و

^۱ سه تفاوت اساسی میان این دو فرقه وجود دارد: الف - دکترین و حاکمیت کتاب مقدس: از دیدگاه کلیسای میسوری، کتاب مقدس به‌طور کلی، دور از هرگونه خطا و اشتباه است، درحالی‌که لوترن‌های انجیلی معتقدند که کتاب مقدس لزوماً دور از اشتباه نیست، به ویژه در مورد مسائل مربوط به تاریخ و علوم. البته این تفاوت در دیدگاه در مورد زنان و همجنس‌گراها نیز متفاوت است. به گونه‌ای که کلیسای میسوری از راه دادن زن‌ها به مراتب اسقفی خودداری می‌کند و مخالفت صریح خود را درباره‌ی همجنس‌گرایی اعلام نموده است، اما کلیسای انجیلی چنین نیست. ب - پایبندی به سنت اعتراف لوتری: کلیسای میسوری کاملاً به منابع این سنت

که در قرن ۱۶ نوشته شده‌اند، پایبند هستند، اما کلیسای ایوانجلیک کاملاً به این متون پایبند نیست. ج - سطح تناسبات و هماهنگی لازم در یک نظام کلیسایی: کلیسای میسوری معتقد است که باید یک هماهنگی و تناسب میان تعالیم کتاب مقدس وجود داشته باشد، در حالی که کلیسای ایوانجلیک به چنین موضوعی اعتقاد ندارد (۲۲).

فرزند و زندگی و ... استناد می‌کنند، منطقی نباید میان شبیه‌سازی انسانی و شبیه‌سازی درمانی تفاوتی بگذارند. پس از این مقدمه به بررسی دلایل آن‌ها می‌پردازیم. در این باره می‌توان دلایل آن‌ها را از یک نگاه به سه دسته تقسیم نمود: دلایل مبتنی بر سوء استفاده از این تکنیک: این دلایل می‌تواند شامل اهداف نادرست این تحقیقات باشد که پاسخ آن در بخش بعد خواهد آمد.

دلایل ناظر بر مواردی خاص: این دلایل شامل مواردی چون هدر رفتن جنین‌ها در فرایند شبیه‌سازی و آخرین راه نبودن این درمان برای افراد می‌باشد که قطعاً این دلایل به تنهایی نمی‌توانند ممنوعیت شبیه‌سازی را به دنبال داشته باشند. هم‌چنین، صرفاً می‌توانند بعضی از انواع شبیه‌سازی را ممنوع اعلام کنند. برای نمونه، در صورتی که شبیه‌سازی درمانی آخرین راه برای نجات یک انسان باشد، بنابراین، استفاده از آن ضروری و جایز می‌باشد.

دلایل اساسی غیر اخلاقی بودن شبیه‌سازی درمانی: دلیل عمده آنان در ممنوعیت شبیه‌سازی درمانی، ارزش و کرامت انسانی جنین از زمان انعقاد نطفه و ارزش مطلق زندگی و هدیه بودن آن از سوی خداوند است. شباهت این فرایند به سقط جنین نیز در ادامه آن می‌آید.

البته نقدهای بسیاری به این دلیل وارد شده است، اما باید دانست که تأکید این دین بر شخصیت انسانی جنین به دلیل استناد به همان فرمان ششم از ده فرمان حضرت موسی (ع) است. از همین روست که سقط جنین نیز از نظر این دین جایز شمرده نشده است. سقط جنین یکی از جلوه‌های قتل انسان است و شبیه‌سازی درمانی جلوه‌ای دیگر از آن. از این جهت، دیدگاه دین مسیحیت در این مسأله منسجم و با دیگر مبانی آن سازگار است و در صورت قبول مبانی فوق، این موضع‌گیری اصولی و مقبول به‌شمار می‌رود و عمل بر طبق یکی از آموزه‌های اساسی این دین (علاوه بر آیین‌های ارتدوکس و پروتستان، آیین کاتولیک نیز در بیان دلایل حرمت شبیه‌سازی درمانی، ارزش و کرامت انسانی جنین از زمان

انعقاد نطفه بیان می‌کنند) است.

درباره‌ی نظرات موافقان نیز باید گفت، به‌نظر می‌رسد فرقه‌ی پروتستان‌سیسم لیبرال، بیش از آن‌که وامدار آموزه‌های خاستگاه خود باشد، به گرایش‌ات غیراصیل مادی دچار شده است که تفاوت دیدگاه این فرقه را با دیگر فرقه‌های پروتستان و حتی آیین‌های ارتدوکس و کاتولیک در این مسأله در پی داشته است.

ب- شبیه‌سازی مولد انسان

پس از بیان دلایل هر دو آیین در زمینه‌ی شبیه‌سازی مولد انسان، دلایل آنان را به موارد زیر تقسیم می‌نماییم: دلایل مبتنی بر سوء استفاده از این تکنیک: برخی از این دلایل که پیش از این اشاره شد، مانند تولید انسان‌ها با هدف تولید اعضای بدن، تجاری شدن DNA انسان، تلاش برای ایجاد ابر انسان‌ها، استفاده‌ی زنان از این فرایند، احتمال سوء استفاده از آن و تهاجم به حریم خصوصی افراد، تنها نشان‌دهنده‌ی آن است که ممکن است از این تکنیک سوء استفاده شود، اما نکته‌ی مهم آن است که احتمال سوء استفاده از هر تکنیکی وجود دارد. بنابراین، لازم است که میان نتایج مستقیم و منطقی یک عمل و لوازم ناخواسته، عرضی، غیرمستقیم و جانبی آن فرق گذاشت، زیرا در این صورت لازم می‌آید که حتی بعضی از امور ساده و معمول میان افراد جامعه (مباح) را نیز به‌خاطر سوء استفاده از آن‌ها منع نمود.

دلایل مبتنی بر موارد خاصی از شبیه‌سازی مولد انسان: برخی از دلایل اقامه شده از سوی دو فرقه، هر چند می‌توانند علیه اصل مسأله شبیه‌سازی اقامه شوند، اما مربوط به حیطه‌ی خاصی از آن هستند. این دلایل شامل تبدیل شدن فرایند تولیدمثل به صنعت، فروپاشی بنیان خانواده و از بین رفتن روابط پدری و مادری و فرزنددی و به مخاطره افتادن تنوع زیستی انسان‌هاست. برای نمونه، این نتایج تنها در صورتی رخ خواهند داد که شبیه‌سازی به‌صورت گسترده‌ای رخ دهد و برای مثال از یک نفر چند صد نسخه ایجاد شود. در این صورت است که ممکن است فرایند تولیدمثل به صنعت تولید

انسان تبدیل شود یا تنوع زیستی انسان‌ها به خطر افتد. یا آن‌که این تکثیر سریع از یک نفر شاید بتواند به بنیان خانواده آسیب وارد کند و روابط پدری و مادری و فرزندی را مختل نماید. پس این دلایل همگی اخص از مدعا هستند و تنها می‌توانند ممنوعیت و حرمت بعضی از اقسام شبیه‌سازی مولد انسان را به‌دنبال داشته باشند.

دلایل اساسی غیر اخلاقی بودن شبیه‌سازی مولد انسان: این دلایل را می‌توان شامل تعارض با تصویر الهی انسان، نقض روابط مقدس خانوادگی، حذف جنبه‌ی مقدس زندگی و شخصیت انسان و حق منحصر به فرد بودن دانست.

۱- تعارض با تصویر الهی انسان: لازم است برای درک بهتر این دلیل منظور این دو آیین را درباره‌ی این دلیل بیان کنیم؛ به‌نظر می‌رسد که منظور از تصویر الهی انسان، اشاره به مطلبی است که در تورات آمده که انسان به هنگام خلقت در صورت خداوند آفریده شده است. ظاهراً از دیدگاه آیین ارتدوکس، شبیه‌سازی در واقع تلاش برای ایجاد انسان‌هایی است که رنگ و بویی از خداوند در آن‌ها وجود ندارد و در نتیجه، شایسته‌ی برخورداری از کرامت و احترام نیستند.

در پاسخ باید گفت که اگر صرف مشارکت انسان‌ها باعث می‌شود که انسان حاصل از این فرایند رنگ خدایی نداشته باشد، پس تولیدمثل جنسی که زن و مرد اقدام به این کار می‌کنند، نیز باید به همین دلیل ممنوع اعلام شود. از سوی دیگر، کلونینگ پیش از این در طبیعت وجود داشته، هر چند میان انسان‌ها رایج نبوده است. بنابراین، تولیدمثل جنسی تنها فرایند باروری مورد نظر خداوند نیست که بتوان بر اساس آن ادعا کرد که هر کس در خلال فرایندی غیر از تولیدمثل جنسی به وجود آمد، رنگ خدایی ندارد.

اما از نظر فرقه‌ی ایوانجلیک محافظه‌کار نیز شبیه‌سازی از آن جهت با تصویر الهی انسان در تعارض است: - هم‌بستگی و وحدت و روابط میان انسان‌ها را از بین می‌برد. - ژنتیک را منشأ شکل‌گیری شخصیت انسان معرفی می‌کند. - معارض با

اخلاقیت و ابداعات انسانی است.

در پاسخ باید افزود که شبیه‌سازی در صورتی می‌تواند ارتباط و روابط میان انسان‌ها را از بین برد که به‌صورت گسترده و به تعداد زیاد از یک فرد صورت گیرد، اما در صورتی که فرایند مذکور تنها میان زوجین نابارور صورت گیرد، دیگر باعث اضمحلال این روابط نمی‌شود.

هم‌چنین، شبیه‌سازی هرگز نمی‌تواند ژنتیک را مبنای شکل‌گیری شخصیت انسان معرفی کند، زیرا هویت و شخصیت هر فردی علاوه بر ژن‌های او تحت تأثیر عوامل محیطی بسیاری است. پس به صرف داشتن ترکیب ژنتیکی مشابه، هویت و شخصیت مشابه نخواهد بود. چنان‌چه در دوقلوهای همسان نیز چنین نیست و در بررسی‌های علمی نیز این مسأله ثابت شده است (۲۶)؛ زیرا عامل محیط (شامل رحم، محیط رشد و نمو، شرایط جغرافیایی، وضع اقتصادی، وضع فرهنگی، نحوه‌ی تولد و عادت غذایی) نیز در شکل‌گیری شخصیت افراد مؤثر بوده و تا حدی می‌تواند حق منحصر به فرد بودن هویت ژنتیکی را تأمین کند (۲۷).

هم‌چنین، شبیه‌سازی را نمی‌توان معارض با اخلاقیت و ابداعات انسانی شمرد، زیرا اساساً ادعای نو و جدید بودن آن پذیرفتنی نیست. دانشمندان علم ژنتیک، این تکنیک را از طبیعت وام گرفته‌اند و اساساً تنها نکته‌ی جدید در آن این است که این روش برای تولیدمثل در انسان‌ها به‌کار برده نمی‌شده، ولی هم‌اکنون می‌توان آن را در عرصه‌ی انسانی به آزمایش گذاشت. البته آن‌چه خداوند برای انسان در نظر گرفته، قطعاً برای او مفیدتر خواهد بود. منظور آن است که هر چند این تکنیک می‌تواند به‌صورت موردی در انسان به‌کار گرفته شود، اما گسترش آن در میان بشریت با موانع بسیاری از جمله هزینه‌ی گزاف آن، تعارض آن با فطرت انسانی در گرایش به تولیدمثل جنسی و ... روبه‌رو خواهد بود. بنابراین، این دلیل با تمام جنبه‌های ملحوظش نمی‌تواند ممنوعیت شبیه‌سازی را به‌دنبال داشته باشد.

۲- نقض روابط مقدس خانوادگی: از نظر فرقه‌ی ارتدوکس،

شده در ساختار ژنتیکی افراد، باعث تنوع شگفت‌آوری در جمعیت‌ها و نژادهای مختلف می‌شوند (۲۸).

ثانیاً، میتوکندری‌ها در داخل هر سلول تنها ارگان‌هایی هستند که حاوی DNA حلقوی خارج کروموزومی می‌باشند. میتوکندری‌ها حاوی ژن‌هایی هستند که معادل آن‌ها در ژنوم هسته وجود ندارد. نکته‌ی قابل توجه در این قسمت این است که ژن‌های پراکنده در DNA میتوکندری‌ها برخلاف فرایندهای شناخته شده حاکم بر وراثت، فقط از طریق میتوکندری‌های موجود در سیتوپلاسم تخمک به جنین منتقل می‌شوند و اسپرم هیچ نقشی در انتقال ژن‌های موجود بر ژنوم میتوکندری‌ها ندارد. نکته‌ی دیگر این‌که هر تخمک و تمامی سلول‌های بدن نه فقط یک میتوکندری، بلکه صدها میتوکندری دارند و هر کدام از آن‌ها نیز می‌تواند چند مولکول DNA حلقوی خارج کروموزومی داشته باشند. با توجه به این نکات به‌خوبی روشن است که موجود شبیه‌سازی شده، ژن‌هایی را به ارث خواهد برد که از میتوکندری‌های سیتوپلاسم تخمک بوده و این ژن‌ها در هسته‌ی سلول بالغ وجود ندارد. لذا موجود شبیه‌سازی شده در آینده دارای خصوصیتی خواهد بود که در موجود دهنده‌ی سلول، اثری از آن‌ها موجود نیست (۳۱-۲۹) که این موضوع نیز موجبات تمایز و تفاوت را میان اهداکننده‌ی سلول و فرد شبیه‌سازی شده فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری

آیین ارتدوکس با استناد به اصولی چون حفاظت از کرامت انسانی و حفظ حرمت زندگی، شبیه‌سازی درمانی را ممنوع اعلام نموده است و با استناد به دلایلی چون تجاوز به تصویر خدایی انسان، نقض روابط مقدس خانوادگی، شیء شدن انسان، احتمال سوءاستفاده از شبیه‌سازی، تولید انسان‌ها با هدف تولید اعضای بدن، تجاری شدن DNA انسان و تلاش برای ایجاد ابرانسان‌ها شبیه‌سازی مولد انسان را نیز ممنوع دانسته‌اند.

پراکندگی و تشتت در آیین پروتستان که ناشی از اعتماد

شبیه‌سازی از دو جهت روابط مقدس خانوادگی را نقض می‌کند: مشارکت خداوند در تولیدمثل را متفی می‌کند. شبیه‌سازی باعث ورود اشخاص ثالث (غیر از زوجین) در فرایند تولیدمثل می‌شود.

در مورد جهت اول، باید گفت که این نظر به همان دلیلی که در مورد دلیل اول آورده شد، اساساً نمی‌تواند مانع از شبیه‌سازی انسانی شود. اما در مورد جهت دوم باید گفت که این نظر در جای خود محترم است و نویسنده نسبت به آن نظری ندارد. بنابراین، می‌توان با استناد به این دلیل تکنولوژی شبیه‌سازی و سایر روش‌های کمک باروری را ممنوع دانست.

۳- حذف جنبه‌ی مقدس زندگی و شخصیت انسان: تجاوز به حق حیات به دو گونه در مورد شبیه‌سازی مطرح می‌شود: - شبیه‌سازی درمانی باعث از بین رفتن تعداد زیادی جنین می‌شود. هر چند که فرد شبیه‌سازی شده دارای روح است، اما عدم توجه جامعه به تقدس حیات می‌تواند باعث تغییر در معنای انسانیت می‌شود. به این صورت، جامعه به فرد شبیه‌سازی شده با عنوان منع بافت یا اعضا نگاه کند (۵). به این مورد پیش از این اشاره شد. اما در مورد دوم، باید گفت که این مورد به همان دلایل نوع اول (مبتنی بر سوءاستفاده) باز می‌گردد که پیش از این گفته شد.

۴- حق منحصر به فرد بودن: یکی دیگر از دلایل، حق منحصر به فرد بودن افراد است که به دلایل زیر این ادعا پذیرفتنی نیست:

اولاً، یک عامل مهم در ایجاد اختلاف بین انسان‌ها، جهش‌های ایجاد شده در ساختار ژنتیکی هر فرد است. ایجاد جهش‌ها تحت تأثیر عوامل محرک بسیاری چون مواد شیمیایی، اشعه‌های یونیزان و کیهانی و یا حتی به‌طور خودبه‌خودی با عوامل ناشناخته، باعث تغییرات چشم‌گیری در ژنوم هر فرد می‌شوند. بنابراین، با توجه به ماهیت اتفاقی بودن جهش‌ها و انواع بی‌شمار آن‌ها، یکسان بودن دو فرد از لحاظ ژنتیکی غیرممکن به نظر می‌آید. به‌طور کلی، جهش‌های ایجاد

منابع

- ۱- نور محمدی غ. شبیه‌سازی انسان، بیم‌ها و امیدها، چاپ اول. قم: معارف؛ ۱۳۸۴، ص ۴۱.
- ۲- محمدی ع. شبیه‌سازی انسان: ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی، چاپ اول. قم: معارف؛ ۱۳۸۷، ص ۲۵.
- ۳- آشتیانی ج. تحقیقی در دین مسیح، چاپ اول. تهران: نگارش؛ ۱۳۶۸، ص ۱۴.
- ۴- هاکس ج. قاموس کتاب مقدس، چاپ اول. تهران: اساطیر؛ ۱۳۷۷، ص ۱۱۱-۱۲.
- 5- Campbell CS. Religious perspectives on Human Cloning. <http://bioethics.georgetown.edu/nbac/pubs/cloning2/cc4.pdf> (accessed in 2009)
- 6- Harakas SS. To Clone or Not to Clone. Ethical issue in human cloning, 1st edition. New York: Seven bridges press; 2000, p: 89.
- 7- Imrenyi T. Sin and Bioethics. Journal of Christian Bioethics 2005; 11: 133-45.
- ۸- وحیدی مهرجردی ش. درآمدی به آیین پروتستان، چاپ اول. قم: ادیان؛ ۱۳۸۹، ص ۴۵-۵۷.
- ۹- مک گراث آ. درسنامه الهیات مسیحی، ترجمه‌ی حدادی ب. چاپ اول. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب؛ ۱۳۸۴، جلد اول.
- ۱۰- صاحب خلق ن. پروتستان‌تیزم، پیوریتانیسم و مسیحیت صهیونیستی، چاپ اول. تهران: هلال؛ ۱۳۸۳، ص ۳۵-۶.
- 11- Waskey AJ. Religion, Christian. Encyclopedia of Stem Cell Research. http://sage-reference.com/stemcell/Article_n225.html (accessed in 2009)
- ۱۲- ملتی رادع، شهرآز س، عباسی م، شرافت ر، جعفری مهر ا. همتاسازی انسان، طبیب مردم. ۱۳۸۲؛ شماره ۲۵، ص ۱۹-۲۳.
- 13- Evans JH. Cloning Adam's Rib: A primer on religious responses to Cloning. <http://pewforum.org/publications/reports/a>

بر درک شخصی هر فرد از متون مقدس است، سبب شده که دلایل مختلفی از سوی فرقه‌های مختلف پروتستان در ممنوعیت شبیه‌سازی (درمانی و مولد) اقامه شوند که هر چند در ظاهر از هم متفاوتند، در باطن همگی به اصولی مهم نزد دین مسیحیت چون حفظ بنیان خانواده، حفاظت از تصویر الهی انسان، حفظ کرامت انسانی، حفظ جان انسان‌ها (از انعقاد نطفه) و حفاظت از منحصر به فرد بودن نوع بشریت باز می‌گردند.

البته فرقه‌ی لیبرال در آیین پروتستان تنها فرقه‌ای است که شبیه‌سازی درمانی را به جهت منافع سلول‌های بنیادی، نوع نگاه آنان به جنین و جلوگیری از اسراف در این زمینه جایز دانسته‌اند. در مورد شبیه‌سازی مولد هم نظر صریح و بی‌پرده‌ای را اعلام نکردند. اتخاذ این دیدگاه از سوی فرقه‌ی لیبرال نیز نشان می‌دهد که این فرقه از آموزه‌های خاستگاه معنوی خود دور شده و دست به دامان ارزش‌هایی شده که در آموزه‌های دین مسیحیت ریشه ندارند.

در یک جمع‌بندی کلی، از نظر نگارنده، هرچند نمی‌توان با استناد به تمامی این دلایل، شبیه‌سازی مولد را ممنوع دانست، اما شبیه‌سازی درمانی با استناد به همان دلیل حفاظت از حق حیات ممنوع است و اتخاذ چنین استراتژی‌ای از دیدگاه این دو آیین، نشان‌دهنده‌ی انسجام درونی در آموزه‌های دین مسیحیت نسبت به هر دو نوع شبیه‌سازی است.

- 22- Anonymous. ELCA vs. Missouri Synod - Major Differences.
<http://www.christianforums.com/search.php?do=process&query=ELCA%20vs.%20Missouri%20Synod%20-%20Major%20Differences> (accessed in 2011)
- 23- Anonymous. Christian Faith and Human Beginnings: Christian Care and Pre-implantation Human Life: A Report of the Commission on Theology and Church Relations of the Lutheran Church—Missouri Synod.
<http://www.lcms.org/graphics/assets/media/CTCR/CTCR%20Human%20Beginnings.pdf> (accessed in 2011)
- 24- Anonymous.
<http://www.nprcouncil.org/pressreleases/cloning-lutheran.htm> (accessed in 2011)
- 25- Eigen LD. Rights & Protections of Coming Human Clones: A Remarkable Lutheran View.
<http://scriptamus.wordpress.com/2010/03/19/rights-protections-of-coming-human-clones-a-remarkable-lutheran-view> (accessed in 2011)
- ۲۶-۲۶- اسماعیلی م. شبیه‌سازی و پیامدهای فقهی، کلامی و اخلاقی آن. فصلنامه حقوق پزشکی، ۱۳۸۸؛ شماره ۸: ۱۳۰.
- 27- Brock DW. Human cloning and our sense of self. *Science* 2002; 296(5566): 314-6.
- ۲۸- تابعی ض، کاغذیان ه، مولوی پ. بنیان‌های اخلاق زیستی، چاپ اول. تهران: حیان؛ ۱۳۸۶.
- ۲۹- پاشای آهی ا، حیدری م. مبانی علمی شبیه‌سازی انسان و انتقال ژن، چاپ اول. تهران: حیان؛ ۱۳۸۷.
- 30- Evers K. The identity of clones. *J Med Philos* 1999; 24(1): 67-76.
- 31- Andrews LB. Cloning Human Beings: The Current and Future Legal Status of Cloning.
<http://bioethics.georgetown.edu/nbac/pubs/cloning2/cc6.pdf> (accessed in 2010)
- damsrib.pdf (accessed in 2010)
- 14- Evans JJ. Religion and human cloning: An exploratory analysis of the first available opinion data. *J Sci Stud Relig* 2002; 41(4): 747-58.
- ۱۵- صادقی م. همانندسازی انسان از نظر مراجع ادیان آسمانی و بررسی آن از نظر فقه اسلامی. مجموعه مقالات اخلاق زیستی (بیواتیک) از منظر حقوقی، فلسفی و علمی؛ چاپ دوم. تهران: سمت؛ ۱۳۸۴، ص ۷۵.
- 16- Wicks E. Religion, law and medicine: legislation on birth and death in a Christian state. *Med Rev* 2009; 410-37.
- 17- Meilaender G. Begetting and Cloning. Ethical Issues in Human Cloning. 1st edition. New York: Seven bridges press; 2000, p: 81.
- ۱۸- مولند ا. جهان مسیحیت. ترجمه ی انصاری م، مهاجری م. چاپ دوم. تهران: امیر کبیر؛ ۱۳۸۱.
- 19- Anonymous. Social Issues - How do Anglicans think about social. <http://www.anglican.org.au/Web/Website.nsf/content/How%20do%20Anglicans%20think%20about%20social%20issues> (accessed in 2011)
- 20- Croucher R. Freemasons and the Anglican Church.
<http://jmm.aaa.net.au/articles/11758.htm> (accessed in 2011)
- 21- Anonymous.
<http://www.nprcouncil.org/pressreleases/cloning-lutheran.htm> and http://asia-lutheran.org/aug_00/luth.html (accessed in 2011)

Cloning from Orthodox and Protestants views

Mohaddeseh Moeinifar¹

¹ *PhD Student in Jurisprudence and Islamic Law, University of Islamic Religions, Tehran, Iran.*

Abstract

In this paper, the author aims to study orthodox and protestant points of views on human cloning and investigate on their arguments for and against it. Both ideologies have abolished both reproductive and therapeutic cloning and put forward an argument against them. The only liberal view which allows therapeutic cloning, but refrains from explicitly commenting on reproductive cloning, is a cult of protestant religion. It can be concluded that although reproductive human cloning can't be prohibited by account of their reasons, therapeutic cloning can be forbade by the reason of protecting the life right. This perspective shows that there is a fundamental consistency in Christianity's teaching about both kinds of cloning, because this religion prohibited all sorts of it.

Keywords: code therapeutic cloning, reproductive human cloning, orthodox, protestant

¹ Email: Moeinifar@isuw.ac.ir